

نظمنامه صوب پلنوم دیمه ۱۳۶۶

کمیته مرکزی حزب توده ایران

پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران (دیمه ۱۳۶۶) پس از شنیدن گزارش هیئت سیاسی و بحث پیرامون مسائل حاد جهان و ایران به نتایج زیرین رسید:

۱ - پلنوم کمیته مرکزی کماکان مبارزه در راه صلح جهانی و تامین امنیت جمعی را وظیفه انقلابی حزب توده ایران می‌داند. اولویت مبارزه در راه صلح ناشی از خصلت نابودگر سلاح‌های هسته‌ای است. اکنون دیگر برای همگان روشن است که در صورت آغاز جنگ هسته‌ای جامعه بشری نابود خواهد شد و هیچگونه راهی برای گریز از نابودی خلق‌های جهان باقی نخواهد ماند. چنین خطری هم اکنون وجود دارد. مبارزه ما در راه از بین بردن سلاح‌های هسته‌ای و نیز خلع سلاح عمومی با مصالح ملی خلق‌های میهن ما و منافع صدها میلیون انسان محروم در مجموعه "جهان سوم" ارتباط دارد. زیرا خلع سلاح با رشد اجتماعی - اقتصادی دارای پیوندی ناگستنی است. در عصر انباشت سلاح‌های هسته‌ای و با توجه به معضلات جهانشمول حل نشده اجتماعی - اقتصادی و سیاسی در "جهان سوم"، افزایش سرسام آور هزینه‌های نظامی و بهدرفتن نیروی عظیم انسانی در جهان و گسترش تضادهای نظامی محلی و منطقه‌ای متضاد باشد اجتماعی و اقتصادی است. به این ترتیب ضرورت تشدید مبارزه در راه "خلع سلاح برای رشد" در دستور روز قرار می‌گیرد.

۲ - حزب توده ایران از انعقاد قرارداد میان اتحاد جماهیر شوروی و ایالات متحده آمریکا درباره از بین بردن موشک‌های میان برد و کوتاه برد (از ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ کیلومتر) پشتیبانی می‌کند و آن را یک گام تاریخی می‌داند. زیرا این قرارداد برای نخستین بار در تاریخ، نه برای تحدید مسابقه تسلیحاتی، بلکه به منظور نابودی دو نوع از سلاح‌های هسته‌ای بسته شده است.

پلنوم کمیته مرکزی برای ابتکار و تلاش پیگیر حزب کمونیست و دولت اتحاد شوروی و رفیق میخائیل گارباجف دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، در تحقق بخشیدن به نواندیشی در عرصه بین‌المللی ارزش فوق‌العاده‌ای قائل است. ما امیدواریم که از بین بردن دو نوع از موشک‌های حامل کلاهک‌های هسته‌ای به تنش‌زدایی در مناسبات بین‌المللی، تعمیق اعتماد متقابل و رشد همکاری‌ها منجر گردد.

پلنوم کمیته مرکزی امیدوار است که متعاقب این گام تدابیر موثر و عملی نوینی در جهت کاهش ۵۰ درصد از سلاح‌های استراتژیک برداشته شود و بشریت امکان آن را بیابد تا به آرمان جهانی خالی از سلاح‌های کشتار جمعی دست یابد.

۳ - حزب توده ایران برای روند دگرگون‌سازی و استراتژی، شتابان سازی رشد اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی، علنیت و دمکراتیزه کردن هر چه بیشتر زندگی در اتحاد شوروی و نیز تدابیری که در دیگر کشورهای سوسیالیستی برای شکوفائی سوسیالیسم اتخاذ می‌گردد، اهمیت فوق‌العاده‌ای قائل است و از آنها حمایت می‌کند.

ما منظر بارفقای شوروی، موافقم که دگرگون‌سازی قبل از هر چیز عبارت است از برطرف ساختن قاطع روندهای کند کننده و در هم شکستن مکانیسم باز دارنده رشد مستمر و موزون اجتماعی - اقتصادی جامعه شوروی و جستجوی مکانیسم موثر شتابان سازی آن. مراعات دقیق قانونمندی‌های رشد اجتماعی، از طریق درک واقعی آنها با بهره‌گیری خلاق از مارکسیسم - لنینیسم، به معنی کنار گذاردن کلیه موانع رشد اجتماعی - اقتصادی، پایه و اساس تئوری استراتژی شتابان سازی، رشد همه جانبه جامعه شوروی است.

هسته مرکزی روند دگرگون‌سازی را تکیه بر خلاقیت توده‌ها، رشد گسترده دمکراسی، خودگردانی سوسیالیستی، تشویق ابتکار فردی و جمعی، تحکیم نظم و انتظام و انضباط، گسترش علنیت در کلیه عرصه‌های زندگی و انتقاد و انتقاد از خود تشکیل می‌دهد. حزب کمونیست اتحاد شوروی دمکراسی سوسیالیستی را شرط ضروری و انکار ناپذیر دگرگون‌سازی تعیین کرد. این نیز به معنی آن است که سوسیالیسم باید توسط مردم و برای مردم ربه کمال رود و رشد باید و حل مسائل دولتی و اجتماعی به خود مردم واگذار گردد. این عالی‌ترین شکل دمکراسی است و فقط در جامعه سوسیالیستی می‌توان به آن تحقق بخشید.

پلنوم کمیته مرکزی، هیئت سیاسی را موظف می‌سازد که حقایق مربوط به دگرگونی‌های انجام شده در اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی در زمینه نوسازی جامعه را با استناد به اسناد رسمی احزاب برادر مورد بررسی همه جانبه قرار دهد و نتایج آن را در مطبوعات حزبی منعکس سازد.

۴ - حزب توده ایران کماکان علیه امپریالیسم جهانی، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، حامل سیاست نواستعماری و صادر کننده ضد انقلاب، مبارزه خواهد کرد. امپریالیسم دشمن شماره یک خلق‌های جهان است و حزب توده ایران سیاست جهان سالاری نوین ("نئوگلوبالیسم") ایالات متحده آمریکا را قویاً محکوم می‌کند.

۵ - پلنوم کمیته مرکزی حمایت از پیکار احزاب کمونیستی و کارگری در کشورهای سرمایه‌داری و همبستگی با آنها را یکی از وظایف مبرم حزب می‌داند. احزاب کمونیستی و کارگری در کشورهای سرمایه‌داری در شرایط گوناگون (۲ ص)



شماره ۱۹۴ دوره هشتم
سال چهارم سه شنبه ۲۷/۱۱/۱۳۶۶
شماره ۲۰ ریال

پیام پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران به مردم ایران

هم میهنان!

پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران در شرایطی، که بحران ژرفی سرپای کشور را فرا گرفته است، برگزار گردید.

امروز پس از گذشت نزدیک به ۹ سال از انقلاب بهمن، بحران عمیق اقتصادی - اجتماعی، بمثابة یکی از علل اوج‌گیری نهضت انقلابی علیه رژیم گذشته، بر مآتب ژرف‌تر شده است. بیکاری، گرانی، فقر، بی‌خانمانی و همه جلوه‌های فساد بی‌امد های ناگزیر این بحران است و با گذشت زمان تشدید نیز خواهد شد. میلیون‌ها ایرانی برای پایان دادن به رژیم ترور و اختناق، در سیمای نظام سلطنتی خودکامه، گام در عرصه نبرد گزاردند و آثار سنگین ساختند. اما نهال آزادی، که به برکت انقلاب و با خون هزاران مبارز در جامعه می‌روید، در نتیجه خیانت ارتجاع حاکم سرعت خشک شد و رژیم خودکامه، این بار در شکل حاکمیت قرون وسطایی استبداد مذهبی، بر کشور ما چیره گردید. این نیز غیر منتظره نبود. رژیم‌های، که پشت به توده‌های میلیونی مردم می‌کنند و از برآورده ساختن خواست‌های بحق آنان در زمینه تحول بنیادی جامعه سر می‌پیچند، برای ادامه حیات نکبت پادشاهان چاره‌ای ندارند، جز آن که حربه ترور و اختناق را بکار گیرند. اما، هم تجربه دیگر خلق‌ها و هم تجربه خلق ما به اثبات رسانده است که با تکیه بر زندان و شکنجه و اعدام نمی‌توان برای مدت زیادی، بر توده‌ها فرمانروائی کرد.

رژیم گذشته با وابسته ساختن اقتصاد کشور به جهان غرب و انحصارهای فراملی عملا استقلال میهن ما را پایمال کرده بود. حکام جمهوری اسلامی و کلان سرمایه داران بازاری و بزرگ مالکان همدست آنان، نه تنها گامی در جهت تامین استقلال اقتصادی کشور بر نداشتند، بلکه بازو و بند‌های آشکار و نهان به احیای مواضع از دست رفته انحصارهای جهان غرب پرداخته‌اند.

عدالت اجتماعی، یعنی یکی از انگیزه‌های اصلی مبارزه خونین علیه رژیم گذشته، پس از استقرار حاکمیت انحصاری "ولایت فقیه" و پیروانش بدست فراموشی سپرده شد. تروریست‌های اقتصادی تحت حمایت رژیم جمهوری اسلامی بی‌محاسبه مکیدن خون میلیون‌ها انسان زحمتکش ادامه می‌دهند. سران رژیم با نظامی کردن اقتصاد و اصرار بر ادامه و گسترش جنگ که خواست امپریالیسم جهانی، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا است، بزرگترین خیانت را نسبت به مردم میهن ما مرتکب شده‌اند.

جنگ، یعنی کشتار جمعی جوانان و نوباوگان و یاب‌دیگر سخن به مخاطره انداختن حال و آینده کشور. جنگ جز خرابی و بدبختی، جز ماتم و عزاحاصی نداشت و نمی‌تواند داشته باشد. جنگ با گسترش بی‌سابقه دامنه بیکاری و فقر و محرومیت، شرایه غارت بی‌بند و بار میلیون‌ها انسان را از جانب مشت‌چپاولگر فراهم می‌آورد. جنگ وابستگی اقتصادی - نظامی، و در نتیجه وابستگی سیاسی کشور به امپریالیسم، را دوچندان کرده است.

افشا ماجرای "ایران - گیت"، دورویی سران مرتجع جمهوری اسلامی را بار دیگر به اثبات رساند. معلوم شد رژیم، که در گفتار خود را ضد آمریکایی و ضد صهیونیستی معرفی می‌کرد، دور از چشم مردم پادشاهان سوگند خورده مردم ایران - امپریالیسم خونخوار آمریکا و صهیونیست‌های اسرائیل - به زد و بند مشغول است. معامله پنهانی سران رژیم با کشورهای امپریالیستی چهره واقعی کسانی را، که زیر پوشش "اسلام" به خلق خیانت می‌کنند، آشکارا نشان داد. (۸ ص)

در ص ۴ گزارش هیئت سیاسی به پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران دنباله

مبارزه می‌کنند و هر یک از آنها خط مشی سیاسی خویشی را در انطباق با شرایط خاص جامعه خود و با توجه به آرایش نیروها تعیین می‌کند. این حق مسلم هر یک از احزاب برادر است. سیاست حزب مادر این مورد مانند گذشته بر اساس انترناسیونالیسم پرولتاری استوار خواهد بود.

۶ - حزب توده ایران باید پیش از گذشته به مسائل و معضلات "جهان سوم" توجه داشته باشد. پلنوم کمیته مرکزی با نظر ارائه شده در گزارش هیئت سیاسی دایر بر اینکه سرمایه داری وابسته در شرایط رشد بی سابقه انقلاب علمی و فنی نخواهد توانست معضل وابستگی اقتصادی کشورهای "جهان سوم" را حل کند و ورطه اقتصادی عظیم میان کشورهای رشد یافته صنعتی و کشورهای واپس مانده را برساند، موافق است.

۷ - پلنوم کمیته مرکزی تشکیل یک کنفرانس بین المللی با شرکت همه طرفهای ذینفع را بیکانه راه حل منطقی مسائل خاور نزدیک می‌داند. حزب ما از مبارزه "سازمان آزادیبخش فلسطین"، بعنوان یگانه نماینده راستین خلق فلسطین، دفاع کرده و خواهد کرد. ایجاد دولتی مستقل از جمله حقوق مسلم خلق عرب فلسطین است. حزب توده ایران از قیام خلق عرب فلسطین در سرزمینهای اشغالی دفاع و جنبانهای ارتش اشغالگر اسرائیل علیه مبارزان فلسطینی را محکوم می‌کند.

۸ - حزب ما اهمیت زیادی برای سیاست آشتی ملی در جمهوری افغانستان، قائل است. ما سیاست جدید حزب دمکراتیک خلق افغانستان را گامی تاریخی در جهت گسترش پایه اجتماعی انقلاب این کشور می‌دانیم و از آن بطور پیگیر دفاع کرده و می‌کنیم.

سیاست آشتی ملی بطریق دیگری در نیکاراگوئه و کامبوجیا نیز در پیش گرفته شده است. حزب توده ایران از مبارزه خلقهای نیکاراگوئه و کامبوجیا پیگیرانه دفاع می‌کند.

ما از نبرد مردم آنکولا و موزامبیک در دفاع از استقلال خویش و علیه توطئه‌های امپریالیستی حمایت می‌کنیم.

۹ - حزب ما به مبارزه زحمتکشان شیلی و توده‌های زحمتکش آفریقای جنوبی به دیده تحسین می‌نگرد و به پیکار دشوار احزاب کمونیست آن کشورها ارج می‌گذارد. حزب توده ایران همبستگی رزمی خود را با همه احزاب برادر مندلقه، بویژه احزاب کمونیست عراق و لبنان و ترکیه، ابراز می‌دارد و همواره در راه تحکیم و تعمیق مناسبات سنتی دوستانه خود با این احزاب، بر پایه مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتاری گام بر خواهد داشت.

* * *

۱۰ - تشدید مبارزه در راه پایان دادن به جنگ ویرانگر ایران و عراق، در شرایط کنونی که میلیونها ایرانی دچار بی‌آدمی‌های مخرب آن هستند، می‌تواند در بسیج توده‌ها نقش مهمی ایفا کند. از این نظر کمیته مرکزی موضوع جنگ و صلح را بمتابیه حادثترین مسئله روز ارزیابی می‌کند. پیکار برای پایان دادن به جنگ جدا از نبرد علیه رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی و توطئه‌های امپریالیسم جهانی در حوضه خلیج فارس نیست.

حزب توده ایران از قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد درباره پایان دادن به جنگ ایران و عراق حمایت می‌کند و به پیکار خود برای تحقق آن ادامه خواهد داد. حزب ما خواهان خروج نیروهای درباری خارجی از خلیج فارس است.

پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران از پیشنهاد دایر بر ایجاد کمیته‌های صلح در بخشهای مختلف شهرهای بزرگ، در شهرهای کوچک و نیز در کارگاهها و کارخانه‌ها حمایت می‌کند و بر آن است که اینگونه کمیته‌ها می‌توانند نقش مهمی در تجهیز توده‌ها علیه جنگ و در راه صلح عادلانه ایفا کنند.

پلنوم کمیته مرکزی با توجه به نقش جنگ در تعمیق بحران و تشدید رژیم ترور و اختناق، آن را بیکانه علت گسترش این پدیده‌ها نمی‌داند. بحران ساختاری و تشدید ترور و اختناق زائیده سیاست ضد خلقی ارتجاع حاکم بر میهن ماست.

۱۱ - پلنوم کمیته مرکزی بر آنست که مبارزه بر سر قدرت میان جناحهای گوناگون در حاکمیت شدت می‌یابد و حزب ما باید از اختلافهای میان آنها با مهارت بهره‌گیری کند. این امر به امکان تشدید مبارزه علیه مجموعه رژیم، و سرنگون کردن آن کمک خواهد کرد.

۱۲ - حزب توده ایران همیشه به اعتصاب بعنوان حربه برنده پرولتاریا اهمیت داده است و در حال حاضر نیز بکارگیری این حربه را برای مقابله با پیکاری، گرانی، جنگ و بی‌آدمی‌های مخرب سیاست ضد خلقی رژیم ضروری می‌داند. روشن است که کارگران برای دستیابی به خواسته‌های خود علاوه بر اعتصاب از دیگر اشکال مبارزه، از جمله تحصن، کم کاری، نوشتن طومارهای دستجمعی، خودداری جمعی از انجام خواسته‌های مسئولان کارگاهها و کارخانه‌ها، بخش تراکت و شعارنویسی و توزیع شبنامه‌ها در اماکن عمومی و محلات زندگی کارگران و غیره استفاده خواهند کرد.

مبارزه صفتی - سیاسی کارگران در اشکال گوناگون را باید سازمان داد و راه دستیابی بدان نیز ایجاد هسته‌های مخفی رهبری سندیکاها و اتحادیه‌ها در درون کارخانه‌ها و کارگاهها و در درجه اول کارخانه‌های بزرگ صنعتی است.

سازمان دادن مبارزه کارگران در شرایط وجود بیکاری روبه گسترش ادامه جنگ و تشدید ترور و اختناق مشکل است، اما ناممکن نیست. باید از همه امکانات برای سازمان دادن نیروی عظیم طبقه کارگر استفاده کرد.

پلنوم کمیته مرکزی با وجود قائل شدن اهمیت فوق العاده برای مبارزه کارگران در راه خواسته‌های خود، مبارزه طبقه کارگر را به هیچ وجه به منافع خود طبقه محدود نمی‌سازد و چنین نظری را انحراف می‌شمارد.

۱۳ - شاخص‌های اجتماعی - اقتصادی بیانگر تشدید بحران و درآمیزی مبارزه دمکراتیک عام با مبارزه طبقاتی است و این نیز صحت ارزیابی کنفرانس ملی را به اثبات می‌رساند.

برنامه حزب توده ایران انطباق کامل با شرایط اجتماعی - اقتصادی و سیاسی جامعه دارد و آرایش طبقاتی در عرصه داخلی و تناسب قوا در عرصه بین المللی را بدرستی منعکس می‌سازد. برنامه حزب ما پیوند ناکستنی مبارزه در راه رهائی ملی و اجتماعی را مورد توجه دقیق قرار داده است.

۱۴ - پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران پس از بحث پیرامون مرحله انقلاب، صحت نظر کنفرانس ملی درباره خصلت ملی و دمکراتیک انقلاب را بار دیگر مورد تأیید قرار داد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران بر آن است که انقلاب آینده باید دارای خصلت خلقی باشد. زیرا بدون گسترش طیف نیروهای محرکه انقلاب نمی‌توان پیروزی آن را در شرایط کنونی کشور تضمین کرد. انقلاب خلقی روند انقلابی را نه از دیدگاه مضمون اجتماعی - اقتصادی، بلکه از لحاظ نیروهای محرکه آن منعکس می‌سازد، درست به همین دلیل ما مرحله انقلاب را ملی و دمکراتیک تعیین کرده ایم.

ما بر آنیم که انقلاب ملی و دمکراتیک دارای مضمون اجتماعی مترقی و متمایز از انقلابهای بورژوا - دمکراتیک است و به همین سبب نه تنها می‌تواند دستیابی به خواسته‌های دمکراتیک عام را تأمین کند، بلکه در نتیجه مبارزه طبقه کارگر و دهقانان تهیدست می‌تواند راه تداوم انقلاب به سطح عالیتری را هموار سازد، یعنی عناصر گذشته و آینده را بهم پیوند دهد.

هدفها و خواسته‌های نیروهای شرکت کننده در انقلاب ملی و دمکراتیک ناکزیر گوناگون خواهد بود و این نیز وظیفه بس دشواری را در مقابل طبقه کارگر و حزب پیشرو آن قرار می‌دهد.

۱۵ - واقع بینی در سیاست، توجه به شرایط مشخص تاریخی جامعه و آرایش نیروهای طبقاتی در تعیین استراتژی و تاکتیک حزب طبقه کارگر اهمیت ویژه‌ای دارد و مرکز ثقل سیاست مستقل پرولتاریا را تشکیل می‌دهد.

پلنوم کمیته مرکزی با کمال تأسف تأکید می‌کند: هستند نیروهایی که هنوز قادر نیستند بر دگماتیسم و "چپ گرایی" و "کلیشه برداری" چیره شوند. مایه تأسف است که این نیروها انتقال و انطباق مکانیکی تجربه این با آن حزب کمونیستی و کارگری بر شرایط ایران را معیار "صد اقت" و "پایبندی" به مارکسیسم - لنینیسم قلمداد می‌کنند. و این در حالی است که هیچ دکترین علمی به اندازه مارکسیسم - لنینیسم دارای خصلت خلق نبوده و نیست.

حزب ما مخالف هر گونه کلیشه برداری است. به باور ما در کشورهای مختلف و در زمانهای مختلف وضع اجتماعی و سیاسی و تناسب نیروها، طبقاتی به هیچ وجه نمی‌تواند همگون و همسان باشد. به همین سبب امکان بکارگیری مکانیکی تجربه‌های این یا آن حزب کمونیستی و کارگری (با وجود غنی بودن مضمون آنها) در شرایط معاصر جامعه ایران ساده نگری و نشانه نمایانی از نادیده انگاری روح خلاق مارکسیسم - لنینیسم است.

کمیته مرکزی حزب توده ایران مبارزه علیه اپورتونیسیم "چپ" و اپورتونیسیم راست را کماکان وظیفه خود می‌داند. ما اپورتونیسیم "چپ" را اشاعه دهنده جزم اندیشی و سکتاریسم و گرایش اپورتونستی راست را دنباله روی از بورژوازی و آمادگی تسلیم شدن در مقابل آن می‌دانیم.

۱۶ - پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران، بر پایه تحلیل دقیق اوضاع کشور، مسئله مبرم اتحادهای گسترده را مورد بررسی قرار داد و بر تشکیل یک جبهه وسیع، متشکل از همه نیروهای طرفدار آزادی، صلح، تأکید کرد. پلنوم تشکیل چنین جبهه‌ای را بمنظور وسیع تر ساختن پایتانه سیاسی - اجتماعی نیروهای مخالف سیاست رژیم و بسیج طیف هر چه گسترده تری از نیروهای سیاسی برای مبارزه با آن ضرور شمرد. چنین گامی، در عین حال، به تشکیل جبهه متحد خلق یاری خواهد رساند.

جبهه مورد نظر از همه مبارزان امر آزادی و صلح می‌خواهد تا همه کوشش خود را برای از پیش پای برداشتن موانع راه همکاری و مبارزه متحد بکار برند.

بنظر حزب توده ایران، این نیروها می‌توانند و باید بر پیشداوریها و دشواریهای موجود در این زمینه غایب کنند. بر پایه این اعتقاد، در لحظات حساس کنونی، که مردم ستم دیده میهن ما دریند اختناق و درگیر جنگ ایران برپا شده هستند، حزب توده ایران از همه نیروهای، مواد آزاد و صلح می‌خواهد، تادریک جبهه وسیع برای آزادی و صلح متشکل شوند.

بنظر حزب ما، هدف از شرکت در این جبهه عبارت خواهد بود از مبارزه فعال در راه آزادیهای دمکراتیک (از جمله آزادی قلم و بیان، احزاب،

۲۰- پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران توسعه فعالیت حزب در کشور را، که شمره فداکاری و از جان گذشتگی هواداران حزب است، مثبت ارزیابی می کند. پلنوم از زحمات رفقای که در شرایط ترور و اختناق توانسته اند پرچم حزب ما را افرشته نگه دارند قدردانی می کند. این رفقا که در شرایط دشوار و پرخطر خط مشی حزب را با فداکاری، بدون توجه به درجه اول به درون طبقه کارگر می برند، با انضباط شایان تقدیر و پایبندی وفادارانه خود به موازین حزبی سر مشق شایسته ای هستند.

۲۱- شرکت کنندگان در پلنوم به این نتیجه رسیدند که گسترش کار حزب در درون کشور مانند گذشته در مرکز فعالیت حزب قرار دارد و تمام نیروها و امکانات باید در این جهت بکار گرفته شود. هواداران حزب در خارج از کشور باید در حد امکان نقش مهمی در این زمینه ایفا کنند.

۲۲- پلنوم بر آن است که گسترش فعالیت در درون کارخانه های بزرگ و محله های کارگری کماکان باید سمت و سوی محتوی و آماج اصلی کار مخفی حزب را تشکیل دهد.

۲۳- پلنوم شعبه تشکیلات را موظف می سازد تا شیوه های ایجاد تماس با هواداران و هسته های حزبی را با در نظر گرفتن موازین پنهانکاری گسترش دهد. باید راه های جدیدی را برای اجرای این وظیفه پیدا کرد.

۲۴- پلنوم کمیته مرکزی، مراعات اصول برتری، کیفیت بر کمیت، تلفیق کار علنی و مخفی و نیز مراعات اصل عدم تمرکز را، طبق تصمیم های اتخاذ شده در کنفرانس ملی، ضروری می داند. هیچ فردی نباید از این چارچوب یا فراتر بگذارد. در حال حاضر که رژیم در صدد وارد آوردن ضربه جدید به حزب است، مراعات اصل عدم تمرکز در چارچوب تعیین شده برای حفظ امنیت هسته ها اهمیت خاص دارد. از این رو پلنوم کمیته مرکزی، ایجاد ارتباط با اصطلاح "نامرئی و درونی غیر مشهود" میان هسته های حزبی را رد می کند.

۲۵- پلنوم کمیته مرکزی اهمیت فوق العاده ای به رعایت پنهانکاری در حزب می دهد. همه اعضا و هواداران حزب، در هر کجا که هستند، نباید فراموش کنند که حزب ما در شرایط مخفی و در محاصره دشمنان عمل می کند. در چنین شرایطی به استثنای مسائلی که در مطبوعات حزبی منتشر می گردد همه کارهای درون حزبی پنهانی است.

دشمنان طبیعی و مخالفان سیاسی ما از مدت ها پیش جنگ روانی گسترده ای را علیه حزب توده ایران آغاز کرده اند. آنها تلاش جدی دارند، تا از طریق "نامن" جلوه دادن تشکیلات، "غیر انقلابی و غیر دمکراتیک" نشان دادن حزب، پرونده سازی، ترور معنوی رهبری حزب، تشویق خود محور بینی و جاه طلبی، بهره برداری از رقابتهای ناسالم و دادن اطلاعات کذب و حتی جعل اسناد، به فریب اعضا و هواداران حزب در جهت تضعیف سازمانهای حزبی بپردازند. متأسفانه برخی از هواداران حزب نیز نادانسته در این جنگ روانی شرکت داشته اند.

پلنوم کمیته مرکزی بویژه اعمال رفقای راهی که به نام برکناری، شایعه سازی، و نقض موازین حزبی مشغول بوده اند، قویا محکوم می کند. افرادی که پس از این بخواهند بدینسان اقدام کنند نمی توانند عضو حزب توده ایران بشمار آیند.

روشن است، چنین تصمیمی به هیچ وجه نافی آزادی اظهار نظر اعضا و حزب نبوده و نیست. اعضا حزب می توانند و باید نظرات خود را آزادانه و بدون کوچکترین محدودیتی در واحدها و هسته های حزبی ابراز دارند و با از کانال تشکیلاتی به ارگان بالاتر تا کمیته مرکزی ارسال دارند. اما هیچ فردی حق ندارد اینگونه نامه ها را پیش و منتشر سازد.

۲۶- فعالیت شعبه ایدئولوژیک، تبلیغات و نشریات حزب با وجود نواقص موجود، چشمگیر بوده است. پلنوم کمیته مرکزی به زحمات رفقای که در هیئت های تحریریه "گوناگون" نامه "مردم" و نیز هیئت تحریریه "رادبو زحمتکشان" فعالیت دارند و عملکرد کایه خبرنگاران داوطلب در داخل و خارج کشور و نیز کار پر زحمت مترجمان ارج می گذارد و از آنها قدردانی می کند. عده ای از رفقا داوطلبانه کار بسیار مهم چاپ و انتشار نشریات حزبی را به عهده دارند. پلنوم کمیته مرکزی از این رفقای فداکار تشکر می کند و امیدوار است که در آینده نیز بتوانند به وظایف شاق و در عین حال بسیار مهم حزبی خود با موفقیت ادامه دهند.

۲۷- حزب توده ایران اهمیت زیادی، برای "نواندیشی" که دیدگاه پس مهم بهمبستگی، بهمبستگی و بیکپارچگی جهان کنونی را مطرح می سازد، قائل است. "نواندیشی" مخالف هر گونه جزم اندیشی و سکناریسم است. انطباق خلق مارکسیسم - لنینیم بر شرایط مشخص هر کشوری را توصیه می کند. حزب ما باید سعی کند که در تنظیم اسناد و مدارک خود این اصل را در نظر داشته باشد. در این زمینه تبلیغات حزب ما باید به مسئله ضرورت مراعات اصل لنینی همزیستی مسالمت آمیز میان کشورهای دارای نظامهای اجتماعی - اقتصادی گوناگون اهمیت خاص بدهد.

به نظر ما، همزیستی مسالمت آمیز دارای خصلت طبقاتی است و به معنی نفی مبارزه طبقاتی و تضادهای اجتماعی نبوده و نیست. شرایط جهان معاصر (۷)

اجتماعات، اتحادیه ها، سندیکاها و غیره) و صلح. مبارزه در راه آزادی زندانیان سیاسی نیز یکی از وظایف عمده این جبهه خواهد بود.

روشن است، که عمال و سرپرندگان امپریالیسم، که زیر چتر طرفداری از رژیم سلطنتی سرنگون شده فعالیت می کنند، در این جبهه جای نخواهند داشت.

در عین حال، حزب توده ایران بر آنست، که پذیرش هدف جبهه و پیروی از آن بدان معنا نیست، که شرکت کنندگان در جبهه حتی یک گام از مواضع و خط مشی سیاسی کوتاه مدت و دراز مدت خویش عدول کنند، یا در ارزیابیهای اجتماعی خود به تجدید نظر بپردازند و یا شیوه های مبارزاتی خویش را تغییر دهند. جبهه تنها چارچوبی است برای گردهم آوردن نیروهای گوناگون شرکت کننده در آن در مقطع زمانی معین، با استکبری مشخص و بمنظور کسب بالاترین نتیجه ممکن، که بنظر مادر حال حاضر دستیابی به آزادی و صلح است. پلنوم، هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران را موظف می سازد، تا همه امکانات خود را برای کمک به تشکیل چنین جبهه ای، که بدون شک دارای اهمیتی بسیار است، بکار اندازد.

حزب توده ایران آماده است، در باره سازماندهی جبهه آزادی و صلح با دیگر نیروها، سازمانها، احزاب و شخصیت ها وارد مذاکره شود و با هر پیشنهاد دیگری را برای تحقق چنین جبهه ای مورد مطالعه قرار دهد.

پلنوم از رفقای کمیته مرکزی می خواهد، تا چنانچه درباره نظرات ارائه شده پیشنهادهایی در راستای تدقیق پایه های تئوریک جبهه نامبرده دارند، ظرف مدت یکماه پس از پایان پلنوم، آنها را در اختیار هیئت سیاسی بگذارند. هیئت سیاسی موظف است پس از بررسیهای لازم اسناد مربوطه کارپایه این جبهه را منتشر سازد.

۱۷- موضعگیری کنفرانس ملی درباره مقام طبقه کارگر و حزب آن در مرحله انقلاب ملی و دمکراتیک و تداوم آن کاملاً صحیح بوده و انطباق کامل با آموزش مارکسیستی-لنینیستی دارد.

پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران بار دیگر تأیید می کند که مبارزه ما متوجه تأمین سرکردگی طبقه کارگر در بیکار برای آزادی و دمکراسی و پیشرفت اجتماعی بمقابله بخش غیر قابل تفکیک پیشروی بسوی سوسیالیسم است. ما مبارزه می کنیم تا دشمنان تهیدست بدانند که بدون مبارزه با یکدیگر بهبود بنیادی وضع آنان امکان پذیر نیست. چنین مبارزه ای نیز فقط در اتحاد با طبقه کارگر می تواند به ثمر رسد.

ما معتقدیم که همزونی طبقه کارگر بستگی به تأثیر سیاسی طبقه و حزبی بر دیگر لایه ها و گروههای اجتماعی دارد و چنین تأثیری نمی تواند یکباره و با پرخش قلم پدید آید. همزونی، در شکلی که گفتیم، در جریان رشد مبارزه طبقاتی، از طریق تعمیق اعتبار سیاسی طبقه کارگر و حزب آن به تدریج امکان پذیر می شود و با استقرار حاکمیت طبقه کارگر به عالیترین سطح خود می رسد. در برنامه حزب توده ایران بدروستی گفته شده است که همزونی طبقه کارگر در گرو اراده و خواست پرولتاریا و حزب آن نبوده و نیست. تذکر صحیح و منطقی ما درباره مبارزه خستگی ناپذیر حزب برای تأمین سرکردگی طبقه کارگر و حزب آن به هیچ وجه به معنی مشروط ساختن پذیرش حتمی همزونی طبقه کارگر از جانب دیگر نیروهای سیاسی شرکت کننده در "جبهه متحد خلق" نیست. پذیرش همزونی طبقه کارگر فقط و فقط داوطلبانه می تواند باشد. این نیز وقتی امکان پذیر خواهد بود که طبقه کارگر و حزب آن از منافع نیروهای خلقی غیر پرولتری شرکت کننده در انقلاب دفاع کند. ما فراموش نمی کنیم که از دیدگاه اندیشه های بنیادی مارکسیسم - لنینیم، منافع پیشرفت اجتماعی مافوق منافع پرولتاریاست و پرولتاریا فقط تا آنجا انقلابی است که این اندیشه را درک کند و بدان تحقق بخشد.

۱۸- کمیته مرکزی حزب توده ایران کماکان به کوشش در راه وحدت جنبش کمونیستی و کارگری ایران ادامه خواهد داد و در این مورد قطعنامه ویژه کنفرانس ملی را رهنمود عمل خود قرار می دهد.

بر اساس این رهنمود، حزب توده ایران همچنان در راه وحدت همه جانبه با سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) حول برنامه و اساسنامه واحد کوشش می کند. در عین حال، حزب بر اتحاد عمل با سایر نیروهای معتقد به مارکسیسم - لنینیم و انترناسیونالیسم پرولتری در راستای تأمین وحدت همه این نیروها در حزب واحد طبقه کارگر تلاش می ورزد.

۱۹- خیزش همه خلقهای میهن ما در صف واحدی برای مبارزه در راه آزادی، استقلال، عدالت اجتماعی و صلح اهمیت فراوانی برای آینده دارد. مبارزه متحد خلقها می تواند ایجاد زمینه حل مسئله ملی در کشور ما را، از طریق حق تعیین سرنوشت آسان کند.

پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران ضمن محکوم کردن جنایتهای رژیم جمهوری اسلامی علیه خلقهای ایران، بر حمایت قاطعانه از مبارزه بر حق خلقهای آذربایجان، کرد، بلوچ، ترکمن و عرب در راه رفیع ستم ملی و برای احقاق حق خود تأکید و سرکوبگریهای بی وقفه رژیم علیه خلقهای کرد و بلوچ را قویا محکوم می کند.

* * *

گزارش هیئت سیاسی به پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران

گزارش هیئت سیاسی سپس تناسب نیروها در جامعه و نیز وضعیت و موضوعگیری سازمانهای انقلابی و دمکراتیک را مورد تحلیل همه جانبه قرار می دهد.

در بخش مربوط به فعالیت هیئت سیاسی در فاصله دو پلنوم، به مبارزه، سرخانه و دشوار هواداران حزب که داوطلبانه کار پر خطر مخفی را برگزیده اند و بدون کوچکترین چشم داشت، با انضباط شایان تقدیر و پایبندی وفادارانه به موازین حزبی، پرچم بر افتخار حزب توده ای خود را در جامعه استبداد زده به اهتزاز آورده اند، ارج زیادی گذارده شده است.

در گزارش به حق گفته می شود:

"این رفقا باید سرمشق برای کسانی باشند که به سودای نام و در جستجوی مقام حزبی به انواع زد و بندها و اعمال ناپسند دست می زنند."
گزارش فعالیت هیئت سیاسی در زمینه تحقیق بخشیدن به رهنمودهای تشکیلاتی مصوب کنفرانس ملی را ناکافی دانست و پیشنهادهای مشخصی برای تشدید فعالیت شعبه تشکیلات ارائه داشت. در گزارش پس از یادآوری تلاش نهادهای سرکوبگر رژیم برای یورش مجدد به حزب گفته می شود:

در چنین اوضاع و احوالی مراعات اکید رهنمودهای حزبی درباره عدم تمرکز و مراعات اصول پنهانکاری اهمیت خاص دارد. در قطعنامه مصوب کنفرانس تاکید گردیده است: "مراعات اصول چهارگانه عدم تمرکز سازمانی، ترجیح کیفیت بر کمیت، در آمیزی کار علنی و مخفی و حفظ اسرار حزبی" خلصت اساسی کار تشکیلاتی حزب را تشکیل می دهد.

هیئت سیاسی پیشنهاد می کند کمیته مرکزی بار دیگر اصول چهارگانه را مورد بررسی قرار دهد و نظارت بر مراعات آنها را به شعبه تشکیلات تاکید کند.

باید یادآور شویم که بر پایه تصمیم کنفرانس شعبه تشکیلات می توانست با تشخیص خود تعداد اعضا هسته های را که ضروری دانده افزایش دهد. این تصمیم صحیح و برای مرحله کنونی مبارزه نیز ضرورت دارد. چه بسا در آینده هم روند با گسترش دامنه فعالیت و دگرگونی در شرایط مشخص و عینی جامعه و جنبش بتوان از شیوه های جدیدی بهره برداری کرد. اما در حال حاضر نباید پارازیت چوب تصمیم های کنفرانس فراتر گذارد. به همین سبب کمیته مرکزی باید تاکید کند که تصمیم مربوط به افزایش تعداد اعضا هسته های ویژه را نباید عمومیت داد. در شرایطی که دشمن درصد وارد آوردن ضربه به حزب است، چه بسا تن در دادن به پاره ای عقب نشینی ها بمنظور تدارک تعرض وسیع ضرور باشد. نباید از نظر دور داشت که در مواردی عقب نشینی بوقوع می تواند

به حفظ هسته ها و ادامه کاری باری رساند. کسانی که امروز با نفعی اصل عدم تمرکز سازمانی، آنها به هر دستاویزی، بوجود آوردن سازمان مخفی هر چه بزرگتر را توصیه می کنند و آثر بیکانه اهرم و نشانه فعالیت گسترده حزب می دانند، اشتباه می کنند. مانی توانیم به اینگونه توصیه ها و نظرات روی موافق نشان دهیم.

گاه مسئله ایجاد "نوعی ارتباط نامرئی و درونی غیر مشهود" میان هسته های حزبی مطرح می شود. در این زمینه باید خاطر نشان ساخت که ارتباط نمی تواند درونی و در عین حال نامرئی و نامشهود باشد. هسته های حزبی در حال حاضر دارای "ارتباط بیرونی" (نه درونی) نامشهود و نامرئی هستند. "ارتباط بیرونی" در شرایط عدم تمرکز از طریق رهبری واحد، برنامه واحد و بالاخره ایدئولوژی واحد تأمین می گردد. حال در صورت هرگونه تحول انقلابی و نیاز به فعالیت یکپارچه، رهبری می تواند به مقتضای شرایط، در زمان کوتاهی ارتباط هسته ها را با یکدیگر برقرار و فعالیت آنها را پیوند داده و سازمانی فشرده و منسجم را در عرصه نبرد وارد سازد.

از آنچه گفته شد نتیجه می گیریم: در شرایط حاضر آنچه برای ما حائز اهمیت است، مسئله افزایش تعداد هسته ها و پیگیری در اجرای رهنمودهای کنفرانس است. شعبه تشکیلات هنوز باید کار زیادی در این راستا انجام دهد، از آن میان باید برای تأمین ارتباط نسبتاً سریع هسته ها با مرکز حزب اهمیت فوق العاده ای قائل شود. در این زمینه ما با نارسائی ها و کاستی های زیادی، روبرو هستیم. عده زیادی از رفقا که هنوز در هسته ها متشکل نشده اند در جستجوی برقراری ارتباط با شعبه تشکیلات هستند. باید راههای تازه برقرار و ارتباط زایافت.

تجربه سالهای اخیر دیگر سازمانهای انقلابی نشان می دهد ارتباط سازمانی بوسیله تلفن و نامه از طریق غرب با افراد و هسته ها تا چه اندازه خطرناک است. تقریباً همه تلفن ها و نامه های باصطلاح مشکوک تحت نظارت مستقیم ارکانهای اطلاعاتی هستند، یعنی به مکالمات تلفنی گوش می دهند و نامه های مشکوک را باز می کنند.

فعالیت شعبه ایدئولوژیک حزب نیز با مشکلات و نارسائیهای همراه بوده است. مهمترین مسئله برای شعبه ایدئولوژیک همچنان کمبود روزنامه نگاران حرفه ای و پژوهشگران علمی است. رفقا می دانند که در گذشته

حزب سالها در این زمینه سرمایه گذاری کرده بود. تربیت روزنامه نگاران و پژوهشگرانی که بتوانند مسائل اجتماعی و اقتصادی کشور را بررسی و به نتایج تئوریک برسند نیاز به زمان دارد.

... رفقا می دانند که در هیچ دورانی حزب ما با مشکلاتی نظیر امروز روبرو نبوده است. در نتیجه یورش سبانه رژیم "ولایت فقیه" به حزب، برخی از اعضا و هواداران سابق حزب و در مواردی حتی در سطح کمیته مرکزی علیه حزب برخاستند و از پشت به آن خنجر زدند. آنها زیر پوشش "بحران در درون حزب" آشکارا موازین لنینی حزب طبقه کارگر را زیر پا گذاشتند و به بهانه "باصطلاح انتقاد از سیاست حزب پس از انقلاب، تاریخ بر افتخار حزب ما را زیر علامت سوال بردند و همصدا با ارگانهای ضد انقلاب و بلندگوهای امپریالیستی، از زدن انواع برچسب ها به برخی از اعضا رهبری و کادراهای حزبی دریغ نورزیدند. صرف نظر از خطاها و نارسائی های که در سند کنفرانس ملی از آنها یاد شده است، "بحرانی" در حزب وجود نداشت و خود این آقایان دچار بحران روانی و بیماری خود محور بینی شده بودند. افزون بر واردگان سیاسی، برخی از سازمانهای چپ نیز برای سربوش گذاردن بر کمبودها و نارسائیهای تئوریک خویش راه حمله تبلیغاتی به حزب را در پیش گرفتند. با کمال تأسف باید بگوئیم که حتی در درون رهبری حزب نیز افراد انگشت شماری هستند که انضباط حزبی و تبعیت اقلیت از اکثریت را نادیده انگاشته اند و به تبلیغ اندیشه های ناصحیح خود در میان اعضا و هواداران حزب در مهاجرت سرگرم هستند.

شعبه ایدئولوژیک حزب بر پایه تصمیم کنفرانس ملی و تاکید هیئت سیاسی نه تنها می بایست تلاشهای مذبحخانه و ازدگان سیاسی را بی اثر سازد و پرده از رخسار پیشوایان گروه های ضد حزبی که به منجلباد ضد توده ای فرو رفته بودند بردارد، بلکه باید به آشفته پردازی "تئوریک" برخی از سازمانهای چپ نیز پاسخ گوید.

طبیعی است که این مبارزه می بایست به موازات بیکار اصلی تبلیغاتی، یعنی افشاگریهای سیاسی بقصد نشان دادن چهره ضد خلقی رژیم "ولایت فقیه" انجام گیرد.

ما موظف بودیم تا عرصه نبرد را خود تعیین کنیم و به هیچ نیروی اجازه ندهیم تا عرصه مبارزه دلخواه خود را به ما تحمیل کند.

چنین فعالیت گسترده ای نیاز به نیروی بزرگ، ماهر و با سابقه داشت. ما ناگزیر بودیم در روند کار، کادر لازم تبلیغاتی را نیز تربیت کنیم. باید خاطر نشان ساخت که رفقا با کار شبانه روزی توانستند از عهده وظایفی که بر عهده داشتند برآیند. با این وجود، چنانکه گفته شد، کار تبلیغی ما هنوز با نارسائی های زیادی همراه است. اما هیچ مسئله حادی در سطح جامعه و جنبش کمونیستی و کارگری در داخل و خارج کشور وجود ندارد که مادر تبلیغات خود درباره آنها موضع نگرفته باشیم.

بهبود فعالیت تبلیغی و ترویجی حزب به کار دائم سیاسی و به دیگر سخن به آگاهی بیکبار از مسائل و رویدادهای سیاسی و اجتماعی و پژوهش و بررسی سیاسی-تئوریک دقیق و همه جانبه آنها بمنظور یافتن پدیده ها و روندها و گرایشهای نوین در زندگی جامعه، در آرایش نیروهای گوناگون اجتماعی و بیانگران منافع آنها نیاز دارد. و این نیز تنها می تواند شمره کار بر بار هیئت سیاسی باشد. متأسفانه، چنانکه خواهیم گفت، هیئت سیاسی بعلی قادر به اجرای وظایف سیاسی خود نشده است.

چه مسائلی باید مورد توجه تبلیغات ما قرار گیرد؟ پلنوم باید در این باره نظرات دقیقی ارائه دهد. درست است که خط مشی استراتژیک حزب در کنفرانس ملی به تصویب رسیده و رهنمود عمل شعبه ایدئولوژیک حزب است، درست است که نباید از برنامه حزب و خط مشی سیاسی مصوب کنفرانس پارا فراتر گذارد، اما این نیز روشن است که برای رسیدن به هدفهای حزب باید از شعارهای مختلف تاکتیکی که در مواردی می تواند در عرض چند روز تغییر یابد، بهره گرفت. افزون بر این سیر حوادث، خواه در عرصه داخلی و خواه در صحنه بین المللی، مسائلی را در دستور روز قرار می دهد که باید بیدارنگ نسبت به آنها واکنش نشان داد. اگر به آنچه گفته شد انتشار نظرات شخصی برخی از رفقا رهبری را، که مغایر با تصمیمات نهادهای عالی حزب است، بیافزائیم ضرورت ارائه نظر دقیق تر آشکار خواهد شد.

پس از پلنوم ژانویه ۱۹۸۷ حزب کمونیست اتحاد شوروی و تاکید آن بر علنییت و نواندیشی، برخی از رفقا در رهبری حزب بدون درک ماهیت آنچه در اتحاد شوروی می گذرد، بدون در نظر گرفتن شرایط کار حزب ما و از همه مهمتر بدون توجه به اینکه حزب کمونیست اتحاد شوروی یکی از نیرومندترین احزاب جهان و حزبی است حاکم، ناگهان ضرورت رواج "علنییت" و "نواندیشی" در حزب توده ایران را مطرح کردند. اینگونه برخورد کلیشه ای به مسائل مهمی چون علنییت و نواندیشی بهره علتی که باشد نادرست است.

به باور ما، برخورد به این سیاست باید سنجیده و با در نظر گرفتن وضع مشخص هر حزب کمونیست، از جمله حزب ما، همراه باشد. کمونیست ها در انتقال تجربه احزاب برادر نباید بطور مکانیکی عمل کنند.

علنییت، چنانکه ما در بخش مسائل حاد جهانی گفتیم، عنصر جدائی-
چون علنییت و نواندیشی بهره علتی که باشد نادرست است.

به باور ما، برخورد به این سیاست باید سنجیده و با در نظر گرفتن وضع مشخص هر حزب کمونیست، از جمله حزب ما، همراه باشد. کمونیست ها در انتقال تجربه احزاب برادر نباید بطور مکانیکی عمل کنند.

علنییت، چنانکه ما در بخش مسائل حاد جهانی گفتیم، عنصر جدائی-
چون علنییت و نواندیشی بهره علتی که باشد نادرست است.

به باور ما، برخورد به این سیاست باید سنجیده و با در نظر گرفتن وضع مشخص هر حزب کمونیست، از جمله حزب ما، همراه باشد. کمونیست ها در انتقال تجربه احزاب برادر نباید بطور مکانیکی عمل کنند.

ناپذیری از دگرگونسازی و استراتژی رشد اقتصادی و اجتماعی در اتحاد شوروی در مرحله کنونی رشد سوسیالیسم است. علنیت برای ژرفش دمکراسی سوسیالیستی، به معنای خودگردانی خلق، اهمیت حیاتی دارد. زحمتکشان که باید در مرحله کنونی رشد سوسیالیسم اداره کشور را رأساً به عهده گیرند، نمی‌توانند بدون دستیابی به اطلاعات وسیع و همه‌جانبه در زمینه کلیه مسائل دولتی و حزبی نقش عظیم تاریخی خود در اداره امور کشور عظیم شوروی را ایفا نمایند. علنیت یعنی در میان گذاردن همه مسائل مربوط به انسانها از طریق رسانه‌های گروهی و غیره. آیا حزب توده ایران که در شرایط کاملاً مخفی و در محاصره دشمنان فعالیت می‌کند، می‌تواند همه جوانب فعالیت خود را توسط نشریات و رادیو در اختیار همگان قرار دهد؟

ارگانهای تبلیغی و ترویجی حزب موظف هستند پاسخ صریح به این پرسش بدهند. کنفرانس ملی حزب، چنانکه خاطر نشان ساختیم، به مسئله پنهانکاری و حفظ اسرار حزبی اهمیت فوق‌العاده‌ای داده است. به نظر می‌رسد اکثریت رفقای شرکت کننده در پیلنوم نیز با این اصل موافقت داشته باشند. در غیر اینصورت پیلنوم کمیته مرکزی باید رهنمودهای جدیدی در این باره به تصویب برساند. ما حزب حاکم نیستیم. در حزب ما تا آنجا که مربوط به برنامه حزب و نظرات سیاسی و جهان بینی ماست، همیشه مسائل آنچنان که هست در معرض دآوری عام قرار گرفته است. آنچه مانی‌توانیم در شرایط حاضر، نه در درون سازمان حزبی و نه بیرون از آن، مطرح سازیم، مسائل تشکیلاتی ماست. هستند رفقای که معتقدند حزب هیچگونه کار مخفی ندارد. این رفقا یا اشتباه می‌کنند و یا هدف معینی را دنبال می‌کنند. به باور ما باید با اینگونه نظرات نادرست مبارزه کرد. اما "نواندیشی" معضل مهم تعیین سیاست این یا آن دولت و در عین حال این یا آن حزب سیاسی (و در درجه نخست احزاب کمونیستی و کارگری) را در شرایط ویژه کنونی جهان، یعنی انباشت سلاحهای هسته‌ای و دیگر مرگ افزارهای جمعی در نظر دارد.

"نواندیشی" اندیشه بس مهم بهمبستگی، بهمپیوستگی و یکپارچگی جهان معاصر را پیش می‌کشد. جهانی که در آن مسئله عمده عبارت است از کوشش در راه تأمین شرایط زندگی و بقا بشر.

رفیق گارباچف می‌گوید که "روندهای عینی در راستایی است که جهان بفرنج و گوناگون ما بیش از پیش بهمپیوسته و بهمبسته می‌شود" ("براد" ۱۷، سپتامبر ۱۹۸۷). با در نظر گرفتن این وابستگی متقابل، در شرایط وجود سلاحهای هسته‌ای، حزب کمونیست اتحاد شوروی همزیستی مسالمت آمیز میان کشورهای دارای نظامهای اجتماعی-اقتصادی متضاد را یگانه آلترناتیو تعیین کرد. ما در تبلیغات خود به این موضوع کم بهاداده ایم. پیلنوم کمیته مرکزی باید مسئله مبارزه در راه صلح و علیه جنگ را به مثابه یکی از وظایف عمده تبلیغاتی تعیین کند. تبلیغات حزبی باید این کزاندیشی را که گویا همزیستی مسالمت آمیز فاقد خصلت طبقاتی است، بی اثر سازد. همزیستی مسالمت آمیز به هیچ وجه به معنای از بین بردن مبارزه طبقاتی و تضادهای اجتماعی نبوده نیست. شرایط در جهان معاصر چنان است که نمی‌توان بخاطر حل این تضادها از مبارزه در راه صلح و امنیت جامعه بشری دست برداشت. حل این تضادها یک روند دراز مدت است. برقراری صلح جهانی و جلوگیری از جنگ هسته‌ای که موجودیت بشر را زیر علامت سؤال می‌برد یک امر عاجل است. "نواندیشی" به نظریه برتری منافع پیشرفت اجتماعی، معنا و مفهوم جدیدی می‌دهد. حزب ما باید برای نواندیشی در این چارچوب اهمیت خاص قائل گردد.

تبلیغات حزب ما باید مضمون واقعی ضرورت اولویت مبارزه در راه صلح و تأمین امنیت جهانی را مورد بررسی قرار بدهد. طبقه کارگر، خواه در چارچوب یک کشور و خواه در مقیاس جهانی، همواره از منافع همه خلق در عرصه داخلی و از منافع پیشرفت در صحنه بین‌المللی دفاع کرده و خواهد کرد. نهادهای تبلیغاتی ما باید این نظریه لنینی را، که در اوضاع و احوال کنونی جهان اهمیت حیاتی کسب کرده است مورد توجه قرار دهند.

"نواندیشی" یعنی هنگام شدن با زمانی که در آن مبارزه می‌کنیم، یعنی ارزیابی نقادانه مسائلی که باید در دستور روز مبارزه قرار گیرد، یعنی پایان بخشیدن به پندارگرایی، یعنی آنچه که از لحاظ نظری و عملی باید در سر لوحه برنامه مبارزاتی ما باشد، یعنی مسائل و وظایفی که پاسخگوی واقعیت موجود در جامعه خود و در عرصه بین‌المللی باشد. بدیگر سخن "نواندیشی" یعنی پرهیز از انتقال مکانیکی تجربه‌های دیگر احزاب بر شرایط کاملاً متفاوت کشور در دوران معاصر، یعنی بهره‌جویی آفریننده و خلاق از میراث بنیانگذاران مارکسیسم - لنینیسم. ما در تبلیغات خود باید بر ضد هر گونه پندارگرایی و کلی‌گویی و تکرار طوطی وار اصول عام و مسلم مارکسیستی، بدون در نظر گرفتن شرایط مشخص زمان و مکان، به مبارزه برخیزیم.

شعبه ایدئولوژیک حزب باید متدولوژی مارکسیستی را در تحلیل وضع مشخص اجتماعی و اقتصادی کشور بکار گیرد. فقط در اینصورت می‌توان به نتایج مطلوب سیاسی رسید. این اصل در برگیرنده بحث‌های سیاسی و ایدئولوژیک با دیگر سازمانهای چپ و مترقی نیز هست. مبارزه ماعلیه نظرات نادرست باید از دیدگاه تأمین وحدت جنبش کارگری در کشور جریان یابد، نه ایجاد تفرقه و

چندپارچگی در آن. تبلیغات حزب باید این نظر را که حقیقت و درک ما از آن مطلق و ایستا نیست و در انحصار هیچ حزب و سازمان و حتی مجموعه احزاب و سازمانها نمی‌تواند باشد، مورد توجه قرار دهد. ما وظایف تبلیغاتی را پیرامون مسائل حاد از آن لحاظ برای تصمیم گیری در پیلنوم مطرح می‌سازیم که به بحث‌های خارج از چارچوب موازین حزبی پایان داده شود.

در زمینه کار بین‌المللی نیز شعبه مربوطه، همراه با نارسائیها، دستاوردهای زیادی داشته است. اصولاً کار بین‌المللی ما را می‌توان به تحکیم مناسبات حزب با احزاب برادر، شرکت در کنفرانسها و کنفرانس‌های علمی، کار در مجله صلح و سوسیالیسم از طریق انتشار مقالات در مجله و اسناد حزبی در بولتن، ارتباط با سازمانهای بین‌المللی جوانان و دانشجویان و زنان و کارگران تقسیم کرد.

شعبه بین‌المللی افزون بر سازمان دادن شرکت مستقیم نمایندگان مادر کنتره‌های بین‌المللی و یا ارسال پیام - در آنجا که امکان شرکت وجود نداشته - در فاصله دو پیلنوم در مجمع بین‌المللی گوناگون نیز شرکت کرده است...

نمایندگان ما با شرکت در مجمع گوناگون بین‌المللی توانسته‌اند علاوه بر جمع‌آوری امضا برای آزادی زندانیان سیاسی، موادی درباره محکوم کردن شکنجه و اعدام در جمهوری اسلامی و خواست آزادی زندانیان سیاسی و پایان دادن به جنگ ایران و عراق در قطعنامه‌ها بکنجاندند. نتیجه فعالیت رفقا در مجمع بین‌المللی بموقع خود در "نامه مردم" منعکس شده است...

فعالیت در مهاجرت یکی دیگر از مسائل مهم بشمار می‌رود. دامنه مهاجرت کنونی ما وسیع است: مهاجران توده‌ای در سراسر جهان، از کشورهای سوسیالیستی گرفته تا اکثر کشورهای سرمایه‌داری، پراکنده‌اند...

... چنانکه رفقا می‌دانند فرقه دمکرات آذربایجان - سازمان ایالتی حزب توده ایران در آذربایجان در کنفرانس وحدت (مرداد سال ۱۳۲۹) با حزب توده ایران وحدت سازمانی کرد. در کنفرانس وحدت برنامه و اساسنامه جدید حزب به تصویب رسید و کمیته مرکزی واحد که در آن عده‌ای از رفقای فرقه نیز شرکت داشتند انتخاب شد.

در کنفرانس وحدت تصمیم گرفته شد که سازمان واحد طبقه کارگر در آذربایجان با حفظ نام "فرقه دمکرات آذربایجان" دارای کمیته مرکزی خود با حقوق ایالتی باشد. از آن زمان این اصل مراعات شده است و فرقه دمکرات آذربایجان به عنوان سازمان ایالتی حزب توده ایران عمل می‌کند.

در سالهای اخیر و از دکان سیاسی که از صفوف حزب کنار گذاشته شدند، تبلیغات ناروای وسیعی علیه سازمان ایالتی حزب در آذربایجان کرده و می‌کنند. از آنجا که عده‌ای از رفقا مسائلی را پیرامون مصوبات کنفرانس وحدت و پیلنوم مفتخر (وسیع) مطرح می‌کنند، ما توضیحی را در این باره ضروری دانستیم:

قبل از هر چیز باید یادآور شد، همچنانکه در اسناد و مدارک حزب خاطر نشان شده است "نتایج کنفرانس وحدت که به تفرقه چندین ساله حزب طبقه کارگر در ایران خاتمه داد برای حزب و نهضت ماداری اهمیت جدی است". واقعاً نیز کنفرانس وحدت یکی از درخشانترین صفحات تاریخ حزب ماست. حزب توده ایران در کنسور فعالیت دارد که کثیرالمله است. موفقیت حزب در تقویت حزب واحد طبقه کارگر در بر خورد آن به سنن تاریخی خلقهای ساکن کشور ماست. یکی از افتخارات حزب توده ایران در آن است که توانست طریق ویژه تأمین وحدت حزب طبقه کارگر را پیدا کند. آیا این طریق که مخص کشور ماست می‌تواند در آینده تکرار گردد؟ به عقیده ما در صورت لزوم نه تنها می‌توان، بلکه باید این طریق را از محک آزمایش گذراند. زیرا آنچه برای ما از اهمیت درجه اول برخوردار است تأمین وحدت سازمانی حزب طبقه کارگر است.

فرقه دمکرات آذربایجان - سازمان ایالتی حزب در آذربایجان - یکی از سازمانهای مهم حزب بوده و هست. رفقای فرقه اعتقاد عمیق خود را به مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری در عمل به اثبات رسانده‌اند. کمیته مرکزی حزب توده ایران هیچ فرقی بین اعضا حزب نمی‌گذارد و هر گونه تبلیغی در خلاف این جهت، مغایرت آشکار با مصالح عالی حزب دارد.

کمیته مرکزی فرقه دمکرات آذربایجان - سازمان ایالتی حزب در آذربایجان - هزاران عضو دارد. عده زیادی کارگران ماهر، مهندسان و دانشمندان و پژوهشگران در صفوف آن فعالیت می‌کنند. سازمان ما در آذربایجان، چه در گذشته و چه در حال حاضر، کمک‌های گوناگونی را در خدمت حزب قرار داده است که بسیار ارزنده است.

برای اینکه به پرسشهای گوناگونی که پیرامون فرقه و نقش آن در رهبری حزب مطرح می‌شود یکبار برای همیشه پاسخ داده باشیم، توجه رفقا را به نکات زیر جلب می‌کنیم:

۱ - شایعه اینکه اعضا اصلی و مشاور کمیته مرکزی فرقه نقش تعیین کننده‌ای در تعیین سرنوشت حزب دارند، بی‌اساس است. اعضا اصلی کمیته

مرکزی فرقه در حدود یک هفتم اعضای اصلی کمیته مرکزی حزب توده ایران را تشکیل می دهند.

۲- می گویند که گویا پلنوم مقدمه اعضا کمیته مرکزی فرقه دمکرات آذربایجان را از ترکیب خود کنار گذاشته است. در پلنوم هیجدهم، رفقای شرکت کننده در پلنوم مقدمه این ادعا را نادرست دانستند و رد کردند. طرح این مسئله اکنون، یعنی پس از کنفرانس ملی که کمیته مرکزی کاملاً جدیدی را انتخاب کرد، بکلی بی پایه و اساس است.

۳- گاه مطرح می کنند که کنفرانس وحدت تصمیم گرفت که نام فرقه فقط تا کنگره سوم باقی خواهد ماند و باید این تصمیم را بموقع اجرا گذارد. چنین نظری ناشی از عدم آشنائی دقیق با اسناد کنفرانس وحدت است.

درست است که پلنوم هفتم (وسیع) چنین توصیه ای - تکرار می کنیم چنین توصیه ای - را مطرح کرد. اما، این به هیچ وجه به معنی تصمیم کنفرانس وحدت نمی توانست باشد و اصولاً پلنوم هفتم (وسیع) از لحاظ اصولی نمی توانست وظایف کنفرانس را بعهده گیرد. درست به همین دلیل نظرات رفقا در پلنوم هفتم (وسیع) بشکل توصیه فرمول بندی شد. آنچه در کنفرانس وحدت به تصویب رسید چنین بود: "تبره - کنفرانس موافقت کرد همانطور که هیئت های نمایندگان حزب توده ایران و فرقه دمکرات آذربایجان در جلسه مشورتی شهریور ۱۳۳۸ با یکدیگر توافق کردند و پلنومهای دو حزب تأیید نمودند بادر نظر گرفتن کلیه شرایط موجود حل طاعی مسئله نام و از آن جمله مسئله اختیار نام حزب کمونیست ایران برای حزب واحد طبقه کارگر سراسر ایران به کنگره آینده حزب (کنگره سوم حزب توده ایران) احاله گردد" (اسناد و دیدگاهها، ص ۴۰۹).

از آن ایام تا کنفرانس ملی، حزب دوبار برنامه جدید به تصویب رسانده و یکبار نیز اسانامه جدید (در پلنوم هفدهم) تنظیم کرده است. کنفرانس ملی نیز چنانکه رفقا می دانند برنامه جدید حزب را تصویب کرد و ماده جدیدی به اسانامه حزب افزود. اما در هیچ یک از پلنومهای نامبرده و نیز در کنفرانس ملی مسئله "نام جدید حزب" مطرح نگردید. زیرا شرایط موجود اجازه انتخاب چنین تصمیمی را نمی داد. تردیدی نیست که در صورت ایجاد شرایط کنگره حزب درباره تغییر نام حزب نیز می تواند تصمیم مقتضی اتخاذ کند.

بنابراین مسئله تغییر نام فرقه به معنی حذف آن نه بطریقی که مطرح می شود، بلکه چنانکه در اسناد حزبی آمده مطرح بود.

در حال حاضر سازمان ما در آذربایجان، یعنی فرقه دمکرات آذربایجان، وظایف خود را تحت رهبری کمیته مرکزی حزب انجام می دهد و مصوبات کنفرانس ملی را بموقع اجرا می گذارد.

مواد اران حزب در خارج از کشور نقش بسزائی در سازمان دادن کارزارهای گوناگون بمنظور جلب افکار عمومی جهان نسبت به فجایعی که در کشور ما می گذرد و نیز کمک به حزب در زمینه های تبلیغی و ترویجی و انتشاراتی ایفا می کنند.

پایان موفقیت آمیز کنفرانس ملی، که در محیطی کاملاً دمکراتیک جریان داشت و همه رفقای شرکت کننده در آن آزادانه، بدون کوچکترین محدودیتی توانستند نظرات خود را در زمینه کلیه مسائل مطرحه بیان دارند، این امیدواری را بوجود آورد که بحث های پی سرانجام، نفع انضباط، نام پراکنی، پخش شایعات، برچسب زنی و از همه مهمتر گرایش بسوی گروه بندی پایان خواهد یافت و کمیته مرکزی و همه اعضا و هواداران حزب فعالیت خود را متوجه صحنه اصلی مبارزه، یعنی ایران خواهند کرد.

وجود اغتشاش فکری، انضباط شکنی و تمایل به آناشیم بجای مراعات موازین حزب طبقه کارگر در دوره نخست پس از ضربات وارده به حزب تا اندازه ای قابل هضم بود. تاریخ تمام احزاب در دهه های اخیر نشان داده است که پس از هر ضربه به حزب، عده ای از دوستان نیمه راه بنا به ماهیت طبقاتی خود آن را ترک می کنند. در چنین اوضاع و احوالی فقط وفاداران واقعی به مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری در صفوف حزب به نبرد ادامه می دهند. در شرایط مشخص ما، پس از ضربه وارده، برخی از اعضا خودمحرورین حزب برای قبضه کردن رهبری به اعمال ضد حزبی دامن می زدند. کار بجائی رسید که حتی عده ای از تسلیم شدگان، به نهادهای سرکوبگر، ادعای رهبری حزب را کردند.

پس از یورش به حزب، مسائل عدیده ای درباره خط مشی گذشته حزب مطرح شد. این امری کاملاً طبیعی بود. ما می بایست با یکارگیری خرد جمعی، خطاها و نارسائی ها را مورد بررسی قرار می دادیم. این نیز نیاز به زمان داشت. عاجلترین مسئله احیا خود حزب بود. این کار عملی شد. سپس تدارک جلسه صلاحیت داری آغاز گردید و بلاخره کنفرانس ملی حزب تشکیل شد.

کنفرانس ملی برنامه حزب، سند بررسی سیاست حزب در گذشته و نیز وظایف آن در آینده را مورد بررسی همه جانبه قرار داد و به تصویب رساند. برخی از اسناد، از جمله برنامه حزب و سند بررسی سیاست حزب در گذشته با نظر خواهی قبلی از اعضا حزب تنظیم گردیده بود. این خود بیانگر آن بود که اسناد مزبور محصول خرد جمعی و تجلی خواستهای اعضا حزب بود. همه شان ناظر بودید که برنامه حزب با چه شور و هیجان انقلابی ای به تصویب رسید. اکثریت مطلق شرکت کنندگان در کنفرانس به اسناد حزبی رأی مثبت دادند.

بنابراین اجرای بی خدشه رهنمودهای کنفرانس وظیفه فرد فرد ما، از اعضا رهبری گرفته تا کادرها و اعضا حزب بود.

مهمترین، عاجلترین و مرکزی ترین وظیفه ای که برنامه در برابر ما قرار داد، مبارزه برای سرنگون کردن رژیم جمهوری اسلامی است. نتیجه منطقی ای که کنفرانس بدستی به آن رسید، عبارت بود از بسیج همه نیروها، اعم از سازمانی، تبلیغی و سیاسی و اپیدئولوژیک بخاطر اجرای این وظیفه عاجل. درست به همین سبب در بند وظایف حزب در مرحله کنونی گفته می شود: "در زمینه کار سازمانی، گسترش هسته های حزبی در کشور همچنان به مقابله و طیفه عده و اساسی باقی می ماند. بدون گسترش فعالیت حزب، نفوذ در میان توده ها و سندهی به مبارزه آنها در راستای درست امکان پذیر نخواهد بود".

کنفرانس ملی چنانکه گفتیم کار در میان کارگران، بویژه در کارگاههای بزرگ و محلات کارگری را مد نظر قرار داد و مسئله ضرورت تشکیل "جبهه متحد خلق" را مطرح کرد.

برای اینکه حزب بتواند به این وظایف سنگین تحقق بخشد، ایجاد و گسترش هر چه بیشتر هسته های حزبی و ژرفش و گسترش فعالیت تبلیغی در داخل کشور ضرورت حاد داشت. به بیان دیگر کنفرانس تجهیز همه نیروها را در جهت کار در ایران پیش پای کمیته مرکزی و هیئت سیاسی آن قرار داد - و نه برعکس. یعنی صرف همه نیروها برای کار در مهاجرت.

حزب ما می بایست این وظیفه بس دشوار را در شرایط کار مخفی بموقع اجرا بگذارد. ما روی کار مخفی تکیه می کنیم، زیرا هستند رفقای که هنوز هم درک نکرده اند فعالیت حزب توده ایران غیر قانونی اعلام شده است و حزب در محاصره ارتجاع و امپریالیسم عمل می کند. رفقا می دانند "سیا" مبتکر یورش سبعانه به حزب ما بود. شکنجه و کشتار هزاران توده ای در بند محصل توطئه سازمانهای جاسوسی آمریکا و بریتانیا و همکاری نزدیک آنها با نهادهای جاسوسی جمهوری اسلامی بود. تبلیغات ضد توده ای که بلافاصله پس از پیروزی انقلاب بهمین آغاز شد تا امروز ادامه دارد. دشمنان ما هم در داخل و هم در خارج از کشور، هیچگاه از سیاست ضد توده ای در جامعه ما دست برنخواهند داشت. آنها بدستی حزب توده ایران را بزرگترین دشمن خود می شمارند. کوشش برای رسوخ به صفوف حزب و دستیابی به اسرار آن از جانب نهادهای سرکوبگر رژیم خمینی و غیره تازگی ندارد. تجربه تمام احزاب کمونیستی و کارگری نشانگر آن است که کمونیست ها در کشورهای نظیر ایران، حتی در شرایط فعالیت علنی و قانونی باید پنهانکاری را اکیداً مراعات کنند. تجربه سالهای نخست پس از انقلاب این حقیقت را بار دیگر به ثبوت رساند.

حزب توده ایران در شرایطی بسیار سخت و دشوار فعالیت می کند. درست به همین دلیل کنفرانس ملی ماده و بیژه ای را به تصویب رساند، ماده و بیژه ای که در اسانامه حزب برای همگون ساختن آن با فعالیت مخفی حزب تغییرات زیادی بوجود می آورد.

در کار مخفی به استثنای آن اسناد و مدارکی که ارگان رهبری حزب انتشار آنها را صلاح می داند، دیگر مسائل و تصمیمها، حتی آنهایی که در ظاهر دارای اهمیت چندانی نیستند نیز اسرار حزبی محسوب می شوند. پنهانکاری مربوط به همه اعضا حزب است، از اعضای رهبری گرفته تا اعضا واحدها و هسته ها. در این مورد رفقای مهاجر هیچ امتیازی نسبت به رفقای داخل کشور ندارند. در شرایط فعالیت پنهانی ساختار سازمانی حزب تغییر می یابد. در یک حزب واحد نمی توان دو ساختار سازمانی یکی برای مهاجرت و دیگری برای داخل کشور ایجاد کرد. با کمال تأسف بعضی از رفقا گرچه انگشت شمار عکس این نظر را تبلیغ می کنند. به عقیده آنها پنهانکاری در مهاجرت معنا و مفهومی ندارد.

با توجه به آنچه گفته شد، کنفرانس پنهانکاری و حفظ اسرار و مراعات اکید انضباط آئین در شرایط کار مخفی را برای همه اعضا حزب وظیفه اساسی دانست. در این زمینه نیز هیچ فرقی میان عضو کمیته مرکزی و هیئت سیاسی و عضو حوزه و هسته حزبی وجود ندارد. ماد و معیار در حزب نداریم. اجرای موازین حزبی در شرایط کار مخفی برای همگان یکسان است.

در سازمان مخفی آگاهی هر عضو حزب از مسائل مشخص سازمانی فقط تا آنجا جایز است که برای پیشبرد فعالیت حزبی وی ضروری باشد.

این اصل اختراع حزب ما نیست، بلکه یک اصل لنینی است. کسانی که بخود اجازه می دهند این رهنمود و دستور صریح حزبی را زیر پا بگذارند، آگاهانه و بی آنا آگاهانه علیه مصالح والای حزب گام بر می دارند. لنین اصول و موازین شرایط کار مخفی را دقیقاً تعیین کرده است. وی در اثر خود "چه باید کرد" پس از تصریح اینکه "ما بصورت گروه کوچک بهم فشرده ای از راهی دشوار و پر از پرتگاه دست هم را گرفته به پیش می رویم" نوشت که "ما از هر سودر محاصره دشمنان قرار داریم و تقریباً همیشه باید از زیر آتش آنان بگذریم" (ترجمه فارسی، ص ۵). به عقیده لنین در چنین اوضاع و احوالی، سازمان حزبی باید محدودتر باشد. لنین مرکزیت حزب و اصل انضباط حزبی را از یکدیگر جدانش کرد. وی می گفت: "امتناع از تردان به رهبری ارگانهای مرکزی معنایش امتناع از عضو حزب بودن است، معنایش ویرانگری است" ("درباره حزب پرولتری طراز نوین"، به زبان فارسی، ص ۱۷). همه *

ما بدون استثناء باید این اصل لنینی را آویزه گوش سازیم. (ترجمه فارسی، ص ۵). به عقیده لنین در چنین اوضاع و احوالی، سازمان حزبی باید محدودتر باشد. لنین مرکزیت حزب و اصل انضباط حزبی را از یکدیگر جدا نمی کرد. وی می گفت: "امتناع از تن دادن به رهبری ارگانهای مرکزی معنایش امتناع از عضو حزب بودن است، معنایش ویرانگری است" ("درباره حزب پرولتری طراز نوین"، به زبان فارسی، ص ۱۷). همه ما بدون استثناء باید این اصل لنینی را آویزه گوش سازیم.

هنوز در ترکیب کمیته مرکزی و نیز هیئت سیاسی هستند افرادی که آگاهانه این اصول مسلم را نادیده می گیرند. برای این نیز ماهه این مسائل را با شمار فکادرمیان می گذاریم. این، شماستید که باید درباره آنها نظر بدهید و تصمیم بگیرید. ... هیئت سیاسی، پلنوم کمیته مرکزی را فراموش کنید تا بویژه اعمال رفقای شما را که به نام پراکنی، شایعه پردازی، و نقض موازین حزبی سرگردانده محکوم کند. ما بر آنیم که حزب باید در رویارویی با اینگونه افراد با قاطعیت و اکنش نشان دهد. ... در قطعنامه مصوب کنفرانس ملی گفته می شود: "موفقیت در امر سازماندهی، در ارتباط تنگاتنگ و ناگسستی با تأمین انسجام و وحدت درونی حزب است. کنفرانس بر آن است که دستیابی به این هدف، بدون مراعات انضباط آهنین در درون حزب ممکن نخواهد بود. حزب توده ایران، حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران است. عضو چنین حزبی موظف است تا مبلغ مرام و مشی حزب باشد و برای تحقق آن بیکار کند، در راه وحدت حزب که شرط اصلی ادامه نبرد و بقای آن است با تمام قوا بکوشد، از هر گونه کار گروهی و فراقسویونی اکیداً بپرهیزد، انضباط حزبی را زیر پا نکند، اسرار حزبی را کاملاً حفظ کند و از ارتکاب به هر عملی که به حیثیت و اعتبار حزب و ارگانهای آن لطمه بزند، اجتناب ورزد".

حزب طبقه کارگر ارگانیم زنده و در حال تغییر و تحول است. حزب طبقه کارگر با حفظ موازین اصلی و بنیادی سازمانی خود همواره کیفیت و خصلت تازه ای کسب می کند که به آن امکان می دهد حتی در شرایط کار دشوار مخفی فعالیت انقلابی دگرگون ساز طبقه کارگر و تمام زحمتکشان را رهبری کند. روشن است که تصمیم های کنفرانس ملی بمعنای از بین بردن اصل مرکزیت دمکراتیک در حزب نبود. اما این نیز غیر قابل انکار است که اگر ما می خواهیم پنهانکاری را مراعات و سلامت حزب را تأمین کنیم بناچار باید مرکزیت را بیشتر تقویت کنیم. لنین تقویت مرکزیت در شرایط کار مخفی را ضامن پیروزی حزب در مبارزه با پلیس می دانست. تقویت مرکزیت خواه ناخواه دمکراسی درون حزبی را محدود خواهد کرد. آنان که بدون توجه به شرایط فعالیت حزب، مراعات گسترده دمکراسی درون حزبی را تبلیغ می کنند و معتقدند هیچ مسئله ای نباید از اعضا حزب مخفی بماند، آشکارا سفسطه می کنند و صدمه بزرگی را به حزب وارد می سازند. می گویند آرموده را آرمودن خطاست. ما بارها ضربات اینگونه تبلیغات سو را خورده ایم. کمیته مرکزی حزب اجازه تکرار اینگونه سهل انگاریها را نخواهد داد.

این رهنمود عمل است. هیچ عضوی از اعضای حزب، حال از هر رتبه و مقامی هم که برخوردار باشند، حق زیر پا گذاردن این اصول را ندارد. متأسفانه در رهبری حزب هستند رفقای که انضباط حزبی را در همه موارد یاد شده در رهنمود پیشگفته کنفرانس نادیده میانگارند. وقتی اعضا رهبری رهنمودهای اکید عالی ترین ارگان حزب را مراعات نکنند، طبیعتاً، نه می توان انتظار رعایت موازین حزبی را از اعضا ساده و مسئولین حزبی داشت و نه می توان به انسجام سازمانی و وحدت اراده و عمل در حزب دست یافت. چیزی که خود اعضا حزب نیز به آن استناد می کنند.

لنین نوشت که حزب بخش متشکل طبقه کارگر است و فقط در صورتی می تواند نقش پیشاهنگ پرولتاریا را ایفا کند که بر بنیاد وحدت اراده، وحدت عمل و وحدت انضباطی خدشه استوار باشد. به گفته لنین حزب مجموعه ای است از سازمانها و بنا بر این "فقط عناصری را در بر می گیرد که دست کم حداقل شکل را قبول داشته باشند" (همانجا، ص ۱۶).

... لنین بموقع خود خاطر نشان ساخت که مبارزه دارای منطبق عینی است و حتی بهترین انسانها را - اگر آنها بر موضع ناصحیح خود اصرار ورزند - حتماً به وضعی دچار می کند که هیچ فرقی با مردم فریبی ندارد.

تجربه بارها به اثبات رسانده که هر گونه نقض لنینی موازین فعالیت حزبی در آخرین تحلیل به تضعیف نفوذ آن می انجامد و در مواردی حتی می تواند فاجعه آمیز باشد. ضرورت مراعات اکید وحدت اراده حزب از اینجاست چشمه می گیرد. بی سبب نیست که حزب از همه اعضای خود خواستار مراعات انضباط بولادین است. مبارزه با هر گونه انحراف از موازین حزبی، از جانب هر کسی، وظیفه همه اعضای کمیته مرکزی و مجموعه کادرها و اعضای حزب است. مسئله مهم دیگر برای تأمین موفقیت حزب در مبارزه علیه دشمن، اجرای بی خدشه خط مشی سیاسی مصوب اکثریت در عالی ترین ارگان حزب است. رفقای که به هر علتی به این یا آن سند حزبی رأی منفی داده اند، پس از تصویب آنها موظف هستند با حفظ نظر خود خط مشی مصوب اکثریت را تبلیغ کنند. این الفبای حزب لنینی است. هر گونه سرپیچی از این اصل مسلم با حزبیت در تناقض آشکار است.

این خطاها اجتناب ناپذیر نبود. ... هیئت دبیران و هیئت سیاسی برای حفظ انسجام حزب از خود تحرک ضرور را نشان ندادند. این عمل نهادهای اجرایی نادرست و قابل انتقاد است.

رفقا می توانند بپرسند: بچه علت ما روی این مسائل عادی و مورد قبول عام، آنهم در پلنوم کمیته مرکزی تکیه می کنیم؟ پاسخ عبارت است از اینکه

ما به تفصیل مسائل را با شما در میان گذاریم تا به ژرفای مشکلات پی برده باشید. چنانکه گفته شد اکثریت رفقا در هیئت سیاسی دارای موضع معقول و منطقی و حزبی بوده اند و کارهای انجام شده نیز با وجود کارشکنی ها، محصول فعالیت شبانه روزی آنها و کادری مؤمن حزبی بوده است. بدون شک اگر کارشکنی های برخی از رفقا در هیئت سیاسی نمی بود، محصول کار خیلی بیشتری می شد.

باید اعتراف کرد که هیئت سیاسی در مجموع خود دچار خطاهایی شده است. این خطاها اجتناب ناپذیر نبود. ...

... هیئت دبیران و هیئت سیاسی برای حفظ انسجام حزب از خود تحرک ضرور را نشان ندادند. این عمل نهادهای اجرایی نادرست و قابل انتقاد است.

مذهبی و تقسیم مصنوعی جامعه به طرفداران و مخالفان اسلام مبارزه کند. باید با استناد به اعمال رژیم به مردم نشان داد که هدف رژیم اشاعه اندیشه های واپسگرایانه و سرکوب هر گونه آزادی است.

۲۹ - فعالیت شعبه بین المللی با وجود برخی نارائیدها در مجموع خود موفق بوده است. شعبه باید بکوشد که ارتباط حزب با احزاب کمونیستی و کارگری را در سطح عالیتری حفظ کند. هنوز ارتباط با احزاب کمونیستی و کارگری برخی از کشورها تحکیم نشده است.

پلنوم کمیته مرکزی از کار رفقا در سازمانهای توده ای قدرانی می کند. این رفقا با وجود مشکلات بزرگ ناشی از مهاجرت، توانسته اند نقش چشمگیری در سازمانهای بین المللی ایفا کنند.

۳۰ - پلنوم کمیته مرکزی، فرقه دمکرات آذربایجان - سازمان ایالتی حزب توده ایران در آذربایجان - را بخش جدائی ناپذیر حزب می داند و هر گونه تبلیغ سو دشمنان حزب در این مورد را قویاً محکوم می کند.

پلنوم، با توجه به این تبلیغات سو، مطبوعات حزبی را موظف می سازد، تا واقعیت و نقش تاریخی وحدت فرقه دمکرات آذربایجان با حزب توده ایران را، بعنوان وحدت همه جانبه دوگردان جنبش کمونیستی ایران، مطرح سازند و به تبلیغات ساخته و پرداخته در این زمینه قاطعانه پاسخ گویند.

در حال حاضر سازمان ما در آذربایجان و قزاقستان خود را تحت رهبری کمیته مرکزی حزب توده ایران انجام می دهد و مصوبات ارگانهای عالی حزب را بموقع اجرا می گذارد.

۳۱ - پلنوم کمیته مرکزی بر جذب رفقای که بر اثر خیانت عناصر ضد حزبی دچار انفعال شده و یا مدتی با گروههای ضد حزبی همکاری کرده اند، اما در حال حاضر مایل به بازگشت به حزب هستند، تأکید کرد.

در حال حاضر مایل به بازگشت به حزب هستند، تأکید کرد.

قطعنامه مصوب پلنوم ... این تضادها را در مدت امکان پذیر می سازد و بنا بر این نمی توان از مبارزه در راه صلح و امنیت جامعه بشری، که امری است عاجل، دست برداشت. ۲۸ - شعبه ایدئولوژیک برای ایفای نقش سازماندهی توده ها باید مسائل زیرین را در مرکز کار خود قرار دهد:

* مبارزه علیه بیکاری و افشا مستمر سیاست رژیم در زمینه جنگ، معضلات اقتصادی و اجتماعی در چارچوب شعار بسیج گر "آزادی، صلح، کار، نان!"

* بیکار در راه آزادی زندانیان سیاسی و علیه شکنجه و اعدام، در راه آزادیهای دمکراتیک و الغای قوانین ضد بشری و قرون وسطائی باید مانند گذشته در مرکز فعالیت تبلیغاتی ما قرار داشته باشد. حزب ما باید هر نوع دستگیری و شکنجه و اعدام با محتوای سیاسی را با قید اختلاف نظر ما با افراد تحت پیگرد (در صورت وجود چنین اختلافهایی) محکوم کند. اینگونه موضعگیری به هیچ وجه معنای دفاع از نظرات سیاسی این یا آن گروه نبوده و نیست، بلکه مبارزه در راه مراعات آزادیهای دمکراتیک در جامعه برای همه نیروهای سیاسی است.

تبلیغات ما باید اعمال فاشیستی نهادهای سرکوبگر رژیم را که می کوشند اختلافهای نظری و سیاسی در مورد چگونگی رشد جامعه را با توسل به زور حل کنند، محکوم کند.

تبلیغات حزب باید بدون جریحه دار کردن احساسات و باورهای مذهبی توده های میلیونی، بی آمدهای زیانبار در آمیختن دین با دولت، یا به دیگر سخن دین سالاری را با ارائه نمونه هایی از این پی آمدها در متن زندگی خود مردم افشا کند. باید به توده ها نشان داد که رژیم می کوشد با سو استفاده از احساسات و باورهای مذهبی آنها، به مسائلی که دارای خصلت صرفاً اجتماعی - اقتصادی هستند، رنگ مذهبی بدهد. حزب توده ایران باید علیه هرگونه

پیام پلنوم کمیته مرکزی حزب ...

علیه این رژیم جنایت پیشه باید مبارزه کرد. این مبارزه باید همه توده های مردم را در بر گیرد. باید، با شرکت متحد و فعال در مبارزه برای پایان دادن به جنگ و تامین آزادی، زمینه سرنگونی رژیم را هر چه بیشتر فراهم ساخت.

کارگران!

شما همیشه پیشرو نبرد در راه سعادت خلق بوده اید و امروز نیز با وجود ترور و اختناق، فداکاران به پیکار خود ادامه می دهید. شامی دانید، مبارزه تنها وقتی می تواند به ثمر برسد که مشکل و متحد باشد. رژیم ضد خلقی ج. ا. شما کارگران را در برابر انتخاب یکی از دو راه پیکاری و یا رفتن به جبهه های بی بازگشت جنگ قرار داده است.

شک نیست که مبارزه متحد کارگران یگانه راه روبروئی با این سیاست ضد کارگری است. برای رسیدن به این هدف و نیز برای دفاع از منافع همه زحمتکش و محرومان باید از اشکال مختلف مبارزه، از جمله از حربه موثر اعتصاب بهره گرفت. در شرایط کنونی، ایجاد هسته های مخفی رهبری اعتصابات، بویژه در موسسات صنعتی بزرگ، شرط ضروری پیروزی است.

دهقانان زحمتکش!

رژیمی، که سرنوشته حال و آینده شمار ابدست بزرگ مالکان و واسطه ها سپرده است، از شما بعنوان گوشت دم توپ در جبهه های جنگ استفاده می کند. تا کنون صدها هزار روستائی قربانی سیاست تجاوزه کارانه رژیم شده اند و صدها روستا در مناطق جنگی با خاک یکسان گردیده است.

در نتیجه عملکرد ضد ملی رژیم فقر و گرسنگی بر روستاها حاکم است. این سیاست سبب ورشکستگی اقتصاد کشاورزی و موجب کوچ روستائیان به شهرها و پیوستن آنها به اردوی عظیم بیکاران شده است.

تا زمانی، که شاددهقانان در صف احدی با برادران کارگر خود در شهرها به مبارزه در راه حقوق خویش و پایان دادن به جنگ برنخیزید، قادر نخواهید بود، به مشکلات عظیم کنونی خود فائق آید.

رژیم می کوشد تا از اعتقادات مذهبی شاددهقانان سو استفاده کند. با امتناع از رفتن به جبهه ها و بیرون راندن مالکان بزرگ از روستاها از حقوق خود دفاع کنید.

مادران و خواهران!

رژیم خمینی زنان کشور ما را از بدیهی ترین حقوق خود محروم ساخته است. حقوق مدنی زن در جامعه با خنونت تمام لگدمال می شود.

رژیمی که شما مادران و خواهران را عملاً به پرده میدل ساخته، به کشتار فرزندان و هسران شما اکتفا نمی کند و اینک تلاش می ورزد، دختران را به جبهه های مرگ اعزام دارد. علیه این جنایات باید مبارزه کرد. شما که نمی از جمعیت کشور انشکلی می دهید، می توانید و باید. با تشکیل کمیته های ضد جنگ نقش مهمی در نجات جان فرزندان و همسران و دیگر عزیزان خود ایفا کنید.

دانش آموزان و دانشجوهران!

رژیم جمهوری اسلامی دشمن سر سخت شاست. سران رژیم با اعزام شما به کشتارگاه های بنام "جبهه کینه حیوانی خود را نسبت به آینده سازان میهن ما به نمایش گذارده است. نباید تسلیم خواست رژیم گردید. باید مزدوران رژیم را از صفوف خود بیرون برانید و افشا کنید و با تشکیل اتحادیه های دانش آموزان و دانشجویان و سازمان دادن مبارزه مشترک به روبروئی پارژیم ضد خلقی بپردازید. اتحاد دانش آموزان و دانشجویان با کارگران و دهقانان تهدید ضامن پیروزی است.

هنرمندان، نویسندگان و شاعران!

میهن ما دوران پس دشواری را می گذراند. ارتجاع قرون وسطایی موجودیت تمدن و فرهنگ ایرانی را مورد تهدید جدی قرار داده است. رژیم با سرکوب آزاد اندیشی می کوشد، هنر و استعداد شما را در خدمت جنگ و ارتجاع قرار دهد. به سنن انقلابی روشنگران میهن پرست وفادار بنامید و همه توان خود را در مبارزه علیه دشمنان صلح و آزادی بکار گیرید.

کارمندان!

شما ارتش بیش از یک میلیونی را تشکیل می دهید. شما با اعتصابات سیاسی خود در سرنگونی رژیم شاه نقشی قابل توجه ایفا کردید. نباید این

گزارش هیئت سیاسی ...

هیئت سیاسی به یک نظر کاملاً ناصحیح تن در داده بود. درونمایه این نظر عبارت بود از اینکه تازمانی که فردی را ساخود از حزب کناره گیری نکرده است، نباید هیچگونه واکنشی در برابر انضباط شکنی، تهمت پراکنی و برچسب زنی او نشان داد. در نتیجه افرادی که علناً و بی رحمانه حزب را زیر کوبش چماق اتهام و افترا گرفته بودند، بدون کوچکترین بازخواستی از حزب کناره گیری کردند.

رفقائی که در هیئت سیاسی و خارج از آن دربارۀ ضرورت انتقاد و انتقاد از خود بسیار سخن می گویند، همواره دیگران، و نه خود و عمل ناصالح خودشان را قابل انتقاد دانسته اند. آنچه مربوط به انتقاد، بویژه انتقاد ویرانگر است، برخی از رفقای در سطح رهبری، بر سر هر کوی و بر زنی حزب و افراد معینی را زیر ضربه گرفته اند. متأسفانه هیئت سیاسی در این زمینه نیز هیچ تصمیمی نگرفته و از حق رفقای مورد اتهام که انضباط حزبی را مراعات و پاسخی به تهمت زنان

تجربه کارکنانها و ارزنده را فراموش کرد.

شما کارمندان از جمله لایه های اجتماعی محروم جامعه هستید. حقوق شما هم، چون برادران کارگرتان مورد تجاوز حکام مرتجع قرار گرفته است. شاه گروه گروه قربانی سیاست جنگ افروزانۀ خمینی و همدستانش می شوید. دست بدست هم دهید و برای تامین خواسته های خود بیکار علیه رژیم خودکامه را گسترش بخشید. شامی توانید، با مقاومت علیه سیاست رژیم در ادارت دولتی، بویژه سربچی از رفتن به جبهه ها، ضربه کاری بر رژیم وارد آورید.

پرسنل میهن دوست و انقلابی نیروهای مسلح!

در شرایط حساس و بغرنج میهن ما مسئولیت بزرگی بر دوش شاست. چه افسران، درجه داران و سربازانی که با فروریختن دیوار پادگانهای رژیم شاه به جنبش انقلابی مردم پیوستند و چه پاسدارانی، که در اوائل انقلاب بازوی مسلح خلق در دفاع از انقلاب بودند و همچنان وفادار به آرمانهای انقلاب مانده اند، هم اینک نیز وظایف سنگینی پیش رو دارند. با دیدگر خیزش توده های مردم در راه است و از فرزندان راستین خود در نیروهای مسلح یاری می طلبد.

پایان دادن به جنگ و اختناق بعنوان دو عامل اصلی نابودی دستاوردهای انقلاب و سرکوب جنبش انقلابی مردم با مبارزه آگاهانه و فداکارانه شما فرزندان خلق ارتباط تنگاتنگ دارد.

رژیم "ولایت فقیه" برای تهی کردن کامل نیروهای مسلح از پرسنل مبارز و آزادخواه، با گسترش ارگانهای جاسوسی و اطلاعاتی خود به سرکوب خونین آنها می پردازد. دستگیریها و اعدامهای مخفیانه، مخالفان جنگ و اختناق در سپاه و ارتش بخشی از این توطئه جنایتکارانه است.

با پیوستن به جنبش وسیع آزادی و صلح و با تحکیم پیوند خود با نیروهای انقلابی و مترقی و افشای جنایات سرکوبگرانه رژیم به مسئولیت تاریخی خود پاسخ گوئید. با تشکیل هسته های مقاومت و هسته های مخفی ضد جنگ، با کارشنائی در طرحهای جنگی رژیم، افشای جنایتکاران جنگ و یاری رساندن به فرار سربازان و بسیجیان از جبهه ها، مامشین جنگی رژیم را فلج سازید.

اعضا و هواداران حزب!

حزب توده ایران - حزب طبقه کارگر ایران - طی ۴۶ سال زندگی پر افتخار خود در راه سعادت توده های میلیونی زحمتکش مبارزه کرده و در این راه قربانیهای فراوانی داده است. ما توده ایها از اینکه همیشه بیستاز نبرد خلق در راه آزادی، استقلال، عدالت اجتماعی و صلح بوده ایم، بخود می دلیم. هیچ نیرویی قادر نخواهد بود، ما را از این راه منحرف سازد.

ما علیه نظام جمهوری اسلامی، به مثابه یک نظام ضد مردمی و ضد ملی، مبارزه می کنیم.

حزب ما در راه آزادیهای دمکراتیک، علیه هدفهای سیاسی - استراتژیک امپریالیسم در منطقه - که سیاست توسعه طلبانه و برخی مناسبات آشکار و پنهان ج. ا. با آن به این هدفها کمک می کند - در راه پایان دادن به جنگ ویرانگر و دفاع از حقوق طبقه کارگر و دیگر زحمتکش و سازمان دادن نبرد متحد توده های میلیونی در جامعه مبارزه می کند. بیکار ما، یعنی بیکار علیه عقب ماندگی، فقر و جهل و ظلم و جور و فساد است، که رژیم خودکامه ج. ا. عامل تشدید و گسترش آن است. اما حکام مرتجع جمهوری اسلامی می کوشند، تا با سو استفاده از اعتقادات مذهبی مردم به مبارزه نیروهای انقلابی، که خصلت کاملاً اجتماعی - اقتصادی دارد، رنگ ضد مذهبی بدهند. باید با بهره گیری از همه امکانات این سیاست رژیم را افشا کرد.

اعضا و هواداران حزب در مبارزه روزمره خود باید این اصل را همیشه مد نظر داشته باشند، که حزب مادر عین دفاع بی چون و چرا از خواسته های طبقه کارگر و دهقانان تهیدست، در راه تحقق خواسته های روشنگران میهن دوست، صدها هزار کارمند از هستی ساقط شده و پیشه وران و کسبه و بالاخره کسانی، که بطریقی از سبادت اقتصادی - سیاسی روحانیون مرتجع و کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان همدست آنان رنج می برند، مبارزه می کند.

در شرایط کنونی، مبارزه در راه اتحاد وسیع نیروهای انقلابی، دمکراتیک و ترقیخواه و بسیج همه قشرهای خلق در راه تامین آزادی و صلح از و تالیف مبرم هر توده ایست. با همیاری، خلاقیت و ابتکار در جهت سازماندهی مبارزه توده ها به این ضرورت لحظه پاسخ گوئیم.

هر چه گسترده تر باد مبارزه خلقی در راه استقرار

آزادی، استقلال، عدالت اجتماعی و صلح! *

نداده اند، دفاع نکرده است ...

رفقا!

تازمانی که فاطمانه و بدون کوچکترین اغماض در برابر انضباط شکنان و نامه پراکنان و تهمت زنان ایستادگی نکنیم، نخواهیم توانست خصلت یک حزب منسجم طراز نوین طبقه کارگر را حفظ کنیم. باید با کمال قدرت در مقابل این روند ایستادگی کرد. تجربه دو سال اخیر نشان داد کسانی که پشت به حزب توده ایران کنند محکوم به زوال هستند. هیچکس قادر نیست حزب توده ای ما را از عرصه سیاسی کنار بگذارد. تصور اینکه این یا آن فرد قادر خواهد بود با عوامفریبی و دروغ حزب را تابع خود سازد نیز خیال بیهوده ایست. احدی نمی تواند با نامه پراکنی و یا شایعه پراکنی و تحریف حقایق راه به جایی ببرد. در حال حاضر اینگونه اقدامات به ضد خود تبدیل شده است.

تردید نیست که پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران مسائل مطرحه در گزارش هیئت سیاسی را همه جانبه بررسی و تصمیم های لازم را اتخاذ خواهد کرد. *